

مداحی دیدم آقاپسری ادای حاج محمود کریمی را در می‌آورد، یکی هم ادای آقای بنی‌فاطمه را. وقتی تحقیق کردم متوجه شدم نیت خیلی از والدینی که بچه‌هایشان را در کلاس مداحی می‌گذارند، این است که چندسال دیگر بتواند مثل یک مداح سرشناس، پول دربیاورد! وقتی می‌بیند روی این کار دارد، صداش هم خوب است. استادی هم برای بچه‌اش می‌گیرد و اگر بتواند راهش را هم به رادیو و تلویزیون باز می‌کند. در صفحه برخی از این نوجوانان هم می‌بینیم که مسئول هماهنگی برنامه دارند و کارشان حساسی گرفته‌است.

**۴] این که مسئول برنامه داشته باشند که بد نیست...**

من باآن قسمتی مشکل دارم که کسی کاملاً تاجرمآبانه به موضوع مداحی نگاه می‌کند. این که من شی ۲۰۰ میلیون تومان می‌گیرم تا پیام و بخوانم، در شان مداحان ومداحی اهل بیت نیست. درپوش «مداحی شغل نیست» به خیلی از تلفن‌های اعتراضی جواب دادم و حتی خیلی از دوستی‌ها و روابط قدیمی‌ام را به‌خاطر این ماجرا از دست دادم. برخی می‌گفتند آیا اساسا مداحی این قدر نیاز به وقت موسع دارد که آدم به هیچ‌کار دیگری نمی‌رسد و فقط باید روی این کار متمرکز بشود؟

یادمان نرود که وقتی موضوع را مطرح می‌کنیم که گلوگاهی به‌نام کرونا را دیده‌ایم، اتفاقی که همه مجالس را تعطیل کرد. قدیم‌ها حنجره مداحان در سنین کهسالی بامشکل وبیماری روبه‌رو می‌شد. خب سئوال این است که بعدش می‌خواهید چکار کنید؟ پدرم مثالی داشت و می‌گفت این خانم‌ها را می‌بینی؟ اینها خیلی وفادارند. اگر من مریض بشوم، یا در مسافرت باشم، رنگ می‌زنند و می‌گویند: حاج‌آقا بیول پول روزه را بگیر و برو... اما در بعضی اوقات تاحدایت بگیرد، دیگر دعوت نمی‌کنند. آن وقت می‌خواهی چکار کنی؟ اگر شغل نداشته باشی چه مشکلاتی خواهی داشت؟

خیلی از مداحان با سرمایه اولیه‌ای که از همین مداحی به دست آوردند، کسب‌وکاری راه انداختند و خودشان را متکی به پول مداحی نکردند. آن هم حتی محل اشکال نیست، اماکسی که صرف‌تاصد زندگی‌اش را تنظیم کرده تا ازاین راه درآمدکسب کند، با رویدادی مثل گشت‌رش کرونا، زندگی‌اش کلاً مختل شد. حتی مجالس ختم هم برگزار نمی‌شد. نگاه من این گونه بود، اما خیلی از دوستان دلخور

شده بودند.

**۴] مداحانی که شغل ندارند، چند درصدند؟**  
خیلی.

**۴] این به این معناست که مداحی درآمد خوبی دارد؟**  
برای کسی که صدا و روابط عمومی خوبی داشته باشد، می‌تواند شغل پردرآمدی باشد. روزه‌خوان‌های قدیمی با همان درآمد روزه‌های خانگی زندگی‌شان را اداره می‌کردند و سطح توقعشان خیلی پایین بود. هنوز که هنوز است با همان روزه‌های ۳۰ هزار تومانی و ۵۰ هزار تومانی زندگی‌شان می‌گذرد و اصلا مبلغی را هم اعلام نمی‌کنند. حتی یکی از دوستان تماس گرفت و گفت: پدر من که از پیروغلامان امام حسین(ع) بوده، به من وصیت کرده و گفته هیچ کار دیگری نکن و معیشت را هم از دستگاه امام حسین تأمین کن و الا جوب می‌خوری...! گفتم اجازه بده این حرف پدر گرمی‌ شما را قبول نکنم. پدر خودم با عبا، در بنگاه ماشین‌فروشی معامله می‌کرد. منج هم از شمال می‌آوردیم و می‌فروختیم و سود معمولی از مشتری می‌گرفتم. غیر از روز عید، همه سال هم روزه می‌خواند. پدرم وقتی مشهد می‌رفت، از مرحوم عباچی، عبا می‌خرد و به تهران می‌آورد و می‌فروخت. عجیب برکنی داشت.



**با حمید محمدی محمدی درباره فعالیت‌های رسانه‌ای اش در حوزه مداحی و روزه خوانی گفت‌وگو کردیم**

کرد. مثلاً تکه‌هایی راجع به حاج احمد شمشیری را در مصاحبه‌های مختلف اگر جمع کنیم، تبدیل به مستند خوبی می‌شود.

**۴] بحث رسیدگی به وضعیت پیروغلامان ساختار مشخصی دارد و هنوز پیگیری می‌کنید؟**

بله، پیگیری می‌کنیم؛ اما بسیاری از موارد را به بنیاد دعبل ارجاع می‌دهیم. خیلی از افراد درد دل می‌کنند. ما که توان مالی بالایی نداریم، برخی را وارد رسانه کرده و کمک‌هایی هم جمع کرده‌ایم. مثلاً یکی از ذاکران امام حسین(ع) گفتند همسرم در بیمارستان است و مقداری پول برای ترخیص می‌خواهیم. ما هم در صفحه اعلام کردیم. در یک رقم، یکی از کارگردانان تلویزیون، سه برابر مبلغ مورد نیاز واریز کرد. وقتی مشکل اصلی رفع شد، از کسانی که پول داده بودند اجازه گرفتیم که برای پیروغلام دیگری هزینه کنیم.

آقای سعید مقدسیان (فرزند شهید محمد مقدسیان و نوه حاج شاه‌حسین بهپاری) الان مسئول رسیدگی به امور پیروغلام در بنیاد دعبل است وشکر خدا شناخت خوب وفرآگیری درباره موضوع دارد و ما این موارد را به این بنیاد ارجاع می‌دهیم.

**۴] یکی از خطوط خبری که اخیر توسط پیروغلامان پیگیری کردید و خیلی هم صدا کرد، پوشش «مداحی شغل نیست» بود. این پوشش گویا حواشی زیادی هم داشته.**

قدمدان این نبود که باعث کدورت جوامع مذهبی و مداحی شویم. نیت‌مان این بودافرادیکه تازه می‌خواهند وارد این مسیر شوند، حواس‌شان به این موضوع باشد، سال‌ها پیش در یکی از کلاس‌های

خواندن و بعد از روزه‌خوانی، پدرم اشاره می‌کرد که من هم بخوانم. این برای سن نوجوانی بود. قدیم‌ها اجازه نمی‌دادند یک نوجوان به‌راحتی دهن باز کند، بخواند و میدان داری کند. این همه برنامه تلویزیونی می‌بینیم که نوجوانان چقدر در آن گل می‌کنند و صفحات اجتماعی‌شان پربازدید می‌شود و مدیر برنامه می‌گیرد. یادم هست در منزل حاج رضا سلیمی، نوجوان ۱۷ ساله‌ای بودم که شروع به خواندن کردم ویکی از مداحان به من گفت: شعر و سبک تو اشتباه بود. برای من سرکوب‌کننده بود و علاقه‌ام را نسبت به این کار، تضعیف کرد.

**۴] حاج‌آقا هم این موضوع را شنید و فهمید؟**  
بله، حتی با آن بنده خدا برخورد هم کرد. دیگران هم آمدند و حمایت هم کردند، اما خودم رغبتی نشان ندادم. پدرم هم نمی‌خواست شغل ولباشش راتحمیل کند، من هم از ۲۲ سالگی به حوزه هنری آمدم و در سوره نوجوانان مشغول به‌کار شدم و مسیر خودم را پیدا کردم.

الان هم اگر کسی سؤال می‌کند می‌گویم احتمالاً وظیفه من این بوده که هم از گذشتگان یادی کنم و هم از قلمم استفاده کنم برای مداحی سنتی و اصیل.

تلاش کردیم آرشیموان زنده و پویا و اختصاصی باشد. **۴] تعریف شما از پیروغلام چه بود؟**

ما سن افراد را حتماً بالای ۶۰ سال می‌بینیم و به آنها پیروغلام می‌گوییم. مثلاً چند وقت پیش حاج محمدعلی شیرخانی از دنیا رفت که ۹۱ سالش بود. به شاعری شناخته می‌شد و پیروغلام بود. ما پیروغلام را صرفاً به کسی که می‌خواند اتلاق نکردیم و هرکسی که در راه امام حسین(ع) پیر شده باشد، پیروغلام می‌گوییم. به همین دلیل سراغ خیلی از افراد رفتیم.

**۴] در کتاب کاشوب (انتشارات اطراف) هم روایتی به قلم شما درباره مرحوم پدرتان منتشر شده بود...**

بله، روایتی به نام «کهنه‌شرم» سال ۱۳۹۶ منتشر شد. در آن سال‌ها مشغول کانال تلگرامی پیروغلامان بودم و در اینستاگرام صفحه‌ای نداشتیم. آن زمان تعداد اعضایمان خیلی بالا بود. اولین بست‌مان در تلگرام برای سال ۱۳۹۴ بود. حتی یادم هست که فیلم حاج‌اکبر کاظمی در حضور حضرت امام وبنای مرحوم ذبیحی پربازدید شد و بازدیدش از ۲۰۰ هزار فراتر رفت. در اینستاگرام هم بالاترین بست ما از مرحوم کریم‌خانی است که یک خط برای امام حسین(ع) خوانده و حدود ۶۰۰ هزار بار دیده شده است. یک‌بار با خانواده به منزل حاج‌مهدی رضایی رفتم و فیلم‌هایی گرفتیم، اما هیچ‌کدام‌شان صدا نداشت چون کابل صدا را اشتباه زده بودیم! اما کتابمان کم بود، اما الان شکر خدا یکی از اتاق‌های منزل را برای این‌کار اختصاص داده‌ایم و بسرم علیرضا هم کارها را اسروسامان می‌دهد. او تصویربردار و تدوینگر خوبی است و در فضای هنری کشور به‌صورت حرفه‌ای کار می‌کند. لوگوی پیروغلامان را هم امیر حوزه‌زاده طراحی کرده. یک‌بار هم نظرسنجی

کردیم و دیدیم ۸۸ درصد مخاطبان مان با نامواره پیروغلامان موافقتد. وقتی به آرشیموان نگاه می‌کنم، می‌بینم می‌شود خیلی از آنها را به مستند تبدیل خواندن و بعد از روزه‌خوانی، پدرم اشاره می‌کرد که من هم بخوانم. این برای سن نوجوانی بود. قدیم‌ها اجازه نمی‌دادند یک نوجوان به‌راحتی دهن باز کند، بخواند و میدان داری کند. این همه برنامه تلویزیونی می‌بینیم که نوجوانان چقدر در آن گل می‌کنند و صفحات اجتماعی‌شان پربازدید می‌شود و مدیر برنامه می‌گیرد. یادم هست در منزل حاج رضا سلیمی، نوجوان ۱۷ ساله‌ای بودم که شروع به خواندن کردم ویکی از مداحان به من گفت: شعر و سبک تو اشتباه بود. برای من سرکوب‌کننده بود و علاقه‌ام را نسبت به این کار، تضعیف کرد.

**۴] حاج‌آقا هم این موضوع را شنید و فهمید؟**  
بله، حتی با آن بنده خدا برخورد هم کرد. دیگران هم آمدند و حمایت هم کردند، اما خودم رغبتی نشان ندادم. پدرم هم نمی‌خواست شغل ولباشش راتحمیل کند، من هم از ۲۲ سالگی به حوزه هنری آمدم و در سوره نوجوانان مشغول به‌کار شدم و مسیر خودم را پیدا کردم.

الان هم اگر کسی سؤال می‌کند می‌گویم احتمالاً وظیفه من این بوده که هم از گذشتگان یادی کنم و هم از قلمم استفاده کنم برای مداحی سنتی و اصیل.

این محتواها از حاج‌محمدمهدی رضایی، پسر شاطر رجب رضایی معروف به شاطرالعلما به دست من رسید. صفت شاطرالعلما را شهید نواب صفوی به شاطررجب داده بود. قصه این بود که می‌رفت در مغازه نانواپی شاطررجب که نان بگیرد، می‌بیند یک نفر همین که نان را می‌چسباند، روزه هم می‌خواند. می‌گوید چقدر صدای تو خوب است. حیف نیست پای تنور می‌ایستی؟ کم‌کم قصاید بلند را حفظ می‌کند و شهید نواب هم لقب «شاطرالعلما» را به او می‌دهد. اسم «محمدمهدی» را هم شهید نواب انتخاب می‌کند. الان در جابروود زندگی می‌کند و جانباز شیمیایی جنگ و کارمند بنیاد مستضعفان است.

این آرشيو را وقتی در اختیار من گذاشت، دیدم فیلم‌های دهه ۷۰ جامعه مداح هم در آن هست. شروع کردم به کار کردن و این فیلم‌ها را آرام‌آرام با امکاناتی که داشتم و نرم‌افزارهای ساده و ابتدایی تقطیع و آماده انتشار کردم. شعار ما هم شد «با پیروغلامان خاطرات مداحان گذشته را زنده کنید». صوت‌ها، فیلم‌ها و عکس‌های قدیمی را منتشر کردیم که الان ۹ سال از آن روزها می‌گذرد.

**۴] کار شما، هم افت‌خارهایی داشت و هم برکنای. یادم هست به کارهای برخی پیروغلامان هم رسیدگی می‌کردید.**

بله، وقتی جلوتر آمديم به این اکتفا نکردیم که صرفاً یک‌سری فایل منتشر کنیم. رفتم سراغ کارهای جدید و تصمیم گرفتم خودمان هم فیلم‌هایی به آرشیموان اضافه کنیم. رفتم سراغ خرید تجهیزات و خودمان را به‌روز کردیم. الان سراغ افراد می‌رویم و با آنها گفت‌وگو می‌کنیم. مثل حاج‌محمود کریمی‌فاضل، حاج‌علیرضا نهادی، حاج‌عزیز اسماعیلی، حاج‌قاسم قنات‌آبادی، حاج‌محمد بازویند، حاج‌محمود دلسوز و حدود ۲۰ نفر از روزه‌خوانان سیدالشهدا در پروژه «آقاروزه‌خون».

**صفحه مجازی «پیروغلامان» در ذهن خیلی‌ها با تلاش‌هایش برای حل مشکلات پیروغلامان و روزه‌خوانان نیازمند شکل‌گرفت. حمید محمدی محمدی که میراث پدرش در روزه‌خوانی را در فضای رسانه پی می‌گیرد، سال‌ها در مطبوعات و خبرگزاری‌ها برای مجالس حسینی خدمت کرده و این روزها در یکی ازخبرگزاری‌ها، بخشی از انرژیش را برای همین کار صرف می‌کند. در یک عصرگاه به سرف چای و هندوانه مهمانش شدید و درباره فعالیت‌های پیروغلامان و پوشش پرسروصدایش، «مداحی شغل نیست» صحبت کردیم.**



میتیم رضایی مهرآبادی  
رئیس هیات مدیره هیات

**۴] داستان «پیروغلامان» و ایده اولیه حضور در شبکه‌های اجتماعی چه بود؟**

سال ۱۳۹۴ به یک آرشيو غنی فیلم و صدا و تولیدات مدیای حوزه پیروغلامان دسترسی پیدا کردم. با آقایی آشنا شدم که خودش پیروغلام بود و اینها را جمع‌آوری می‌کرد. قبل از اجلاس پیروغلامان صداوسیما، آیین ستایشگران عشق و ولایت در حوزه هنری برگزار می‌شد، من هم در حاشیه این اجلاس، گفت‌وگوهایی با پیروغلامان داشتم. آرشيو که من به آن دسترسی پیدا کردم، در حاشیه اجلاس پیروغلامان جمع‌آوری شده بود. مثلاً فیلم‌هایی هست مانند

همخوانی شیعی که از آن جمع یکی دو نفر زنده‌اند و بقیه مثل سیدحسن معطر، حاج‌علی آهی، حاج‌حسن خلیط ... به رحمت خدا رفته‌اند. این اجرا سال ۱۳۸۵ در صداوسیما انجام شد و رئیس سازمان وقت هم صحبت کرد. آن آرشيو به من کمک کرد ذهنیت پیدا کنم و محتوا را در فضای مجازی به اشتراک بگذارم و دیگران هم از این محتواها بهره‌مند شوند. استقبال خیلی خوبی هم به عمل آمد، چون اساساً عنوان پیروغلامان از آن اجلاس شروع شد، ولی کمترکسی به مقوله پیروغلامان به صورت تخصصی نگاه می‌کرد. این فقط به آن معنی نبود که به برخی پیروغلامان ازکارافتاده کمک کنیم تا مایحتاج زندگی‌شان را تأمین نمایند. خیلی از اینها به‌خاطر سبک‌های جدید مداحی منزوی شده بودند. مثلاً شیوه خواندن آقا سیدمحمد موسوی سجاسی که یک قصیده فواد کرمانی را با صد بیت می‌خواند منسوخ شده است، الان کسی نمی‌آید ۴۵ دقیقه یک قصیده گوش دهد! اول عقد سخن سیاست خدا را/ آن‌که ز نور آفرید طینت ما را... کم‌کم اشعار دکتر قاسم رسا بود. برخی شعرا هم کتاب‌هایشان در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ منتشر شد. یکی‌شان

که کارهای جدیدتری هم می‌سرود، مرحوم حبیب چایچیان متخلص به «حسان» بود والا بقیه‌شان مثل مرحوم تیر، فواد کرمانی، صابر مهدانی و صغیر اصفهانی، قصاید بلند و محتواهای طولانی تولید می‌کردند.

مکت

+

## ۱۷ ساله بودم که شروع به خواندن کردم

**۴] یادی کنیم از مرحوم ابوی‌تان که پیروغلام بودند و حافظه و همت شما برای این کار به دلیل تربیت بی‌نظیر ایشان است. در خاطرات شما هم خوانده بودیم که چون حاج آقا روشندل بودند، شما ایشان را در روزه‌های خانگی همراهی می‌کردید. در حالی که شما نوجوان بودید و باید به بازی‌تان می‌رسیدید، اما همراه پدر می‌شدید که موقعیت جذاب و کم‌نظیری است. با این امکان ویژه‌ای که در اختیار شما بود، چرا خودتان روزه‌خوان نشدید؟**

پدرم هیچ وقت اصرار نمی‌کرد بیا و کار من را ادامه بده، اما حمایت می‌کرد. من تک‌پسر و فرزند بزرگ خانواده بودم. در دوره کوتاهی شروع کردم به

### مقاومت



### واکنش چهار مداح

### به ترقه بازی صهیونیست‌ها

چهار نفر از مداحان کشورمان به حمله رژیم صهیونیستی به ایران واکنش نشان دادند. محمدحسین پویانفر، سیدامیر حسینی، حسین طاهری و محسن عرب‌خالقی، مداحانی بودند که به حمله رژیم صهیونیستی به کشورمان ایران واکنش نشان دادند. این واکنش‌ها عمدتاً تسخر تلاش صهیونیست‌هاست؛ محسن عربخالقی با هشتگ «ترقه» نوشت: ۹۹ درصد مردم ایران خوابان ۹۹ درصد اسرائیلی‌ها از ترس بیدارند. مازدیم یا وانا؟» سیدامیر حسینی نوشت: «جواب‌های هویه. حالا‌هی کانال ۱۳ عبریت بازی روانی درست‌کنه که جواب ارتشمون ناگرمیدکننده بود تا با دست‌کم نشون دادنش روی خط عدم پاسخ ایران مانور بد هن، خر خودتی، زدی می‌خوری. منتها به وقتش و بدون تعلل و شتابزدگی چون نخوری هارتر میشی غلط کرد هر کی ولو به سنگ سمت خاک ایران برت کرد» حسین طاهری نوشت: «این حمله بود یا آتش بازی؟ احمق، اینجا ایران است! سرزمین وعده‌های صادق» او این متن را به زبان عبری هم نوشت. محمدحسین پویانفر نوشت: «اونا میرن تو پناهگاه، اینجا همه رو پشت بومن!»

### مداح

### در فصل پنجم؛ «آهات»

### مداحی را نقد می‌کند

فصل پنجم نشست‌های تخصصی آهات با نقد و بررسی موضوعات رایج هیأت و مداحی برگزار می‌شود.

نشست‌های تخصصی آهات که با همکاری مرکز تخصصی احیاءمر وگروه فرهنگ وهنر دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع) برگزار می‌شود، فصل پنجم خود را برگزار خواهد کرد. فصل اول آهات تحت عنوان «محرر اسما!» در دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) و با محوریت دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات اجرا شد. رسالت این طرح نقد و بررسی هیأت‌ها و مجالس عزاداری محرم و همچنین تحلیل و بالایش محتوای اشعار و نوحه‌ها بود. در همین راستا جلسات دوازده‌گانه‌ای با حضور مداحان شاخص و برجسته کشور برگزار شد. محمدرضا طاهری و حسین طاهری، سید حدادیان، احمد واعظی، محمود کریمی، مهدی سلحشور، سیدمجید بنی‌فاطمه، محمدرضا بذری، محمدحسین پویانفر، مهدی رسولی، حنیف طاهری، میثم مطیعی، سیدرضا نیریمانی مداحان مهمان نخستین دور نشست‌های تخصصی آهات بودند که در سال ۹۹ همزمان با شیوع کرونا در ایام ماه محرم به صورت آنلاین برگزار شد.

### قاب

### من به اسرائیل نمی‌روم!

مرحوم حاج حسین محمدی محمدی، مداح روشندل آستان مقدس سیدالشهدا علیه‌السلام، سال ۱۳۴۷ حبسه گرفت و سپس از هردو چشم نابینا شد. ایران در آن سال‌ها گرفتار هرج و مرج بعد از جنگ جهانی دوم بود و تا سال ۱۳۵۴ که او توانست به پزشکان خارج از کشور مراجعه کند، کاری برای بازگشت بینایی‌اش نکرد.

او همراه برادرش به اروپا سفر کرد تا پزشکان انگلیسی در لندن، او را معاینه کنند. دو دکتر انگلیسی به او گفتند: پزشکان اسرائیلی می‌توانند چشم شما را درمان کنند. باید به آنجا بروی.

حاج حسین محمدی گفت: تا آخر عمر نابینا می‌انم اما به اسرائیل نمی‌روم. همین روز هم شد. او تا ۵ مرداد ۱۳۸۹ روشندل ماند و نابینایی را به بینایی به دست پزشکان سرزمین اشغالی مسلمانان ترجیح داد. روحش را با صلواتی شاد کنید.

